

جنسیت در جامعه‌شناسی ورزش

امیرحسین مهرصفر — استادیار دانشگاه سمنان



چرا جنسیت یکی از بنیادی‌ترین مسائل جامعه‌شناسی ورزش است؟

در جامعه‌شناسی ورزش، جنسیت یک موضوع فرعی نیست؛ بلکه یکی از بنیادی‌ترین عدسی‌های تحلیلی برای فهم ساختار ورزش مدرن است. ورزش از آغاز شکل‌گیری نهادین خود، همواره در پیوند با ایده‌هایی درباره بدن، قدرت، رقابت، قهرمانی و هویت ساخته شده — و همه این ایده‌ها از ابتدا بار جنسیتی داشته‌اند.

وقتی از «جنسیت در ورزش» سخن می‌گوییم، پرسش اصلی این است: چه بدن‌هایی مشروع شمرده می‌شوند؟ چه کسانی حق دیده‌شدن دارند؟ و چه کسانی باید خود را با نظم مسلط ورزشی تطبیق دهند؟

این بحث اهمیت بیشتری یافته، زیرا نهادهایی مانند IOC از پیشرفت در برابری عددی سخن می‌گویند، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهند این پیشرفت لزوماً به معنای رفع نابرابری‌های عمیق‌تر نیست.



ورزش: نهادی که هنجارهای جنسیتی را بازتولید می‌کند

موقعیت زنان

ورزش، مانند مدرسه، خانواده و رسانه، یک نهاد اجتماعی است که هنجارهای جنسیتی را آموزش می‌دهد و بازتولید می‌کند. زنان یا این جهان کنار گذاشته شده‌اند یا حضورشان مشروط به عبور نکردن از مرزهای «زنانه» قابل قبول بوده است.

ورزش و تثبیت مردانگی

در بسیاری از جوامع، ورزش جایی بوده که مردانگی از طریق آن تثبیت شده؛ قدرت بدنی، خطرپذیری، تحمل درد، سلطه و پیروزی به‌عنوان فضیلت‌های مطلوب معرفی شده‌اند.

جنسیت به مثابه ساخت اجتماعی، نه فقط تفاوت زیستی

نخستین گام برای فهم عمیق این فصل، تمایز میان «جنس» به عنوان طبقه‌بندی زیستی و «جنسیت» به عنوان نظم اجتماعی و فرهنگی است. بسیاری از آنچه در ورزش «طبیعی» جلوه داده می‌شود، در واقع محصول تاریخ، فرهنگ و قدرت است.

میدان «جنسیت‌سازی»

ورزش مکانی است که افراد یاد می‌گیرند بدنشان را چگونه بفهمند و با چه معیارهایی ارزش‌گذاری شوند.

فعالیت‌های «زنانه»

ژیمناستیک، اسکیت نمایشی —
محصول فرایندهای طولانی بازنامایی و
ارزش‌گذاری فرهنگی.

رشته‌های «مردانه»

بوکس، کشتی، راگبی — نه به دلیل
قانون زیستی، بلکه به دلیل فرایندهای
نام‌گذاری و نهادسازی.

ابعاد ساختاری نابرابری جنسیتی در ورزش



دسترسی به فضاهای تمرین
تفاوت در دسترسی به فضاهای
تمرین، نوع پوشش، توقعات
مربیان و امکانات پزشکی در
ساختن واقعیت جنسیتی ورزش
نقش دارند.



توجه رسانه‌ای
پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حتی
وقتی زنان حضور دارند، اغلب در
قاب‌هایی توصیف می‌شوند که بر
ظاهر، احساسات یا زندگی
شخصی آنان تأکید می‌کند.



تولید تفاوت اجتماعی
ورزش فقط عرصه‌ای برای نمایش
تفاوت‌ها نیست، بلکه خودش در
تولید تفاوت‌های اجتماعی
مشارکت دارد.

ورزش مدرن چگونه به فضای مردانه تبدیل شد؟

ورزش مدرن در سده‌های نوزدهم و بیستم در دل نهادهای آموزشی، نظامی و ملی‌گرایانه رشد کرد — فضاهایی که عمدتاً تحت سیطره مردان بودند و هدفشان تولید بدن‌های منضبط و آماده خدمت به دولت-ملت بود.

⚠ ورزش فقط تمرین بدنی نبود، بلکه ابزاری برای ساختن نوع خاصی از شهروندی مردانه محسوب می‌شد. بسیاری از ساختارهای اولیه ورزش، از باشگاه‌ها و لیگ‌ها گرفته تا مدیریت و داوری، بر اساس حضور و اقتدار مردانه شکل گرفتند.



حذف تاریخی زنان از ورزش

مسیر پیشروی

پیشروی زنان در ورزش در قرن بیستم حاصل مبارزات اجتماعی، جنبش‌های حقوق زنان، اصلاحات حقوقی و فشارهای رسانه‌ای بود — نه تغییرات خودبه‌خودی.

واقعیت پشت استدلال‌ها

این منطق در ظاهر از تفاوت زیستی سخن می‌گفت، اما در عمل از تقسیم کار جنسیتی دفاع می‌کرد. بدن زنانه نه بر مبنای توانایی واقعی، بلکه بر مبنای هنجارهای فرهنگی محدود می‌شد.

استدلال‌های توجیه‌کننده

حذف زنان معمولاً با استدلال‌هایی علمی، پزشکی یا اخلاقی توجیه می‌شد: برخی ورزش‌ها «زیادی خشن» یا «نامتناسب با نقش مادری» خوانده می‌شدند.

از برابری عددی تا نابرابری ساختاری

یکی از خطاهای رایج این است که افزایش تعداد ورزشکاران زن را با تحقق برابری یکی بدانیم. برابر شدن سهمیه زنان و مردان در پاریس ۲۰۲۴ از نظر نمادین یک دستاورد مهم بود، اما جامعه‌شناسی ورزش تأکید می‌کند که برابری عددی لزوماً معادل برابری ساختاری نیست.

بودجه و امکانات

زنان همچنان در بودجه، کیفیت امکانات و زمان‌های تمرین در موقعیت فرودست باقی می‌مانند.

رسانه و قراردادهای

پوشش رسانه‌ای، قراردادهای تجاری و پاداش‌ها همچنان نابرابر است.

فرهنگ سازمانی

شبکه‌های غیررسمی قدرت و منطق‌های جاافتاده می‌توانند زنان را در حاشیه نگه دارند.

مدیریت و رهبری

فرصت‌های مربیگری، کرسی‌های مدیریتی و امکان تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری همچنان نابرابر است.

مردانگی هژمونیک و نقش ورزش در تولید آن

«مردانگی هژمونیک» توضیح می‌دهد که در هر جامعه، یک شکل مسلط از مردانگی وجود دارد که به‌عنوان معیار مطلوب قدرت و اقتدار شناخته می‌شود. ورزش یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که این مردانگی مسلط را تولید و مشروع می‌کند.

ارزش‌های ستایش‌شده در ورزش

- جنگیدن تا آخر و تحمل درد
- پنهان‌کردن آسیب و امتناع از نشان‌دادن ضعف
- غلبه بر دیگران و سلطه

فراتر از مسئله زنان

مسئله جنسیت فقط مربوط به زنان نیست. ورزش برای مردان نیز یک نظام انضباطی جنسیتی ایجاد می‌کند. بسیاری از پسران یاد می‌گیرند که برای پذیرفته‌شدن باید از بدن و هیجان خود به شیوه خاصی استفاده کنند. ورزش هم‌زمان می‌تواند برای برخی مردان امتیازآفرین و برای برخی دیگر طردکننده باشد.

نظریه‌های فمینیستی و تحلیل نابرابری در ورزش

رویکردهای فمینیستی نشان می‌دهند که نابرابری جنسیتی صرفاً نتیجه تعصب فردی نیست، بلکه در ساختارها و نهادها ریشه دارد. پرسش اصلی این نیست که چرا برخی زنان کمتر ورزش می‌کنند، بلکه این است که چگونه سازمان ورزش، رسانه، آموزش و بازار، فرصت‌های آنان را محدود می‌کنند.

فمینیسم لیبرال

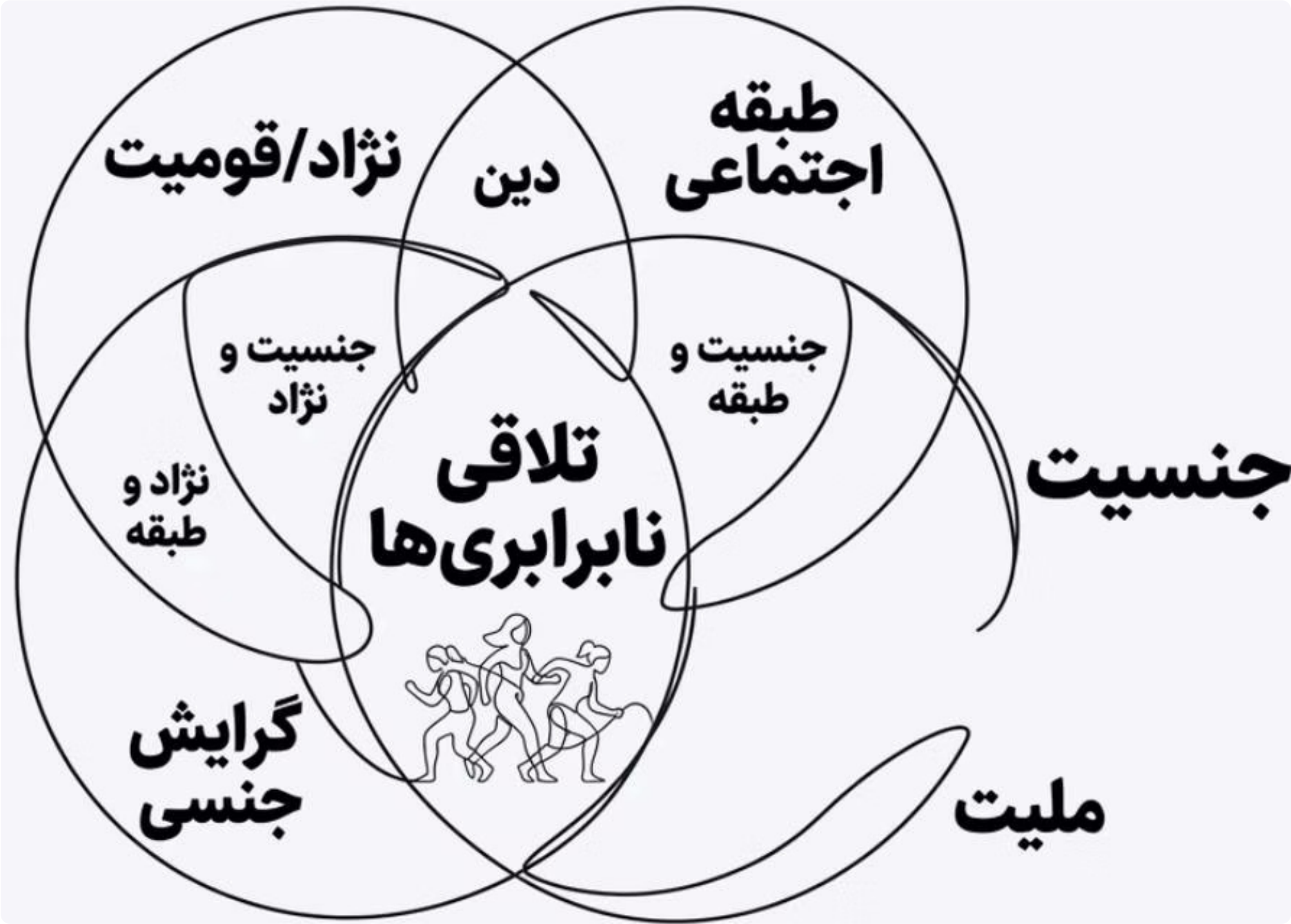
بر اصلاح قوانین، افزایش فرصت‌های برابر و حذف تبعیض‌های رسمی تمرکز می‌کند؛ مهم برای سیاست‌هایی مانند سهمیه‌بندی و برابرکردن بودجه‌ها.

رویکردهای انتقادی‌تر

استدلال می‌کنند که خود تعریف ورزش، موفقیت و ساختار رقابتی در بستری مردمحور شکل گرفته. صرف افزودن زنان به این ساختار لزوماً به عدالت جنسیتی منتهی نمی‌شود.

رویکرد تقاطعی

تجربه جنسیت هرگز جدا از نژاد، طبقه، قومیت، ملیت، مذهب و گرایش جنسی نیست. هر محور، تجربه به حاشیه رانده شدن را تشدید می‌کند.



بدن زنانه در ورزش: توانمندسازی یا کنترل؟

بدن در ورزش صرفاً یک ابزار فنی نیست؛ بدن، موضوعی فرهنگی، اخلاقی و سیاسی است. زن ورزشکار هم‌زمان با دو مطالبه متضاد روبروست:

مطالبه اول: کارآمدی

بدنش را برای عملکرد، قدرت، سرعت و استقامت بهینه کند.

مطالبه دوم: قابل قبول بودن

همان بدن در معرض قضاوت‌های اجتماعی درباره زیبایی، وقار، پوشش و انطباق با زنانگی مسلط قرار می‌گیرد.

«قوی باش، اما نه آن قدر که نظم جنسیتی را به هم بزنی» — «دیده شو، اما بیشتر به عنوان سوژه زیبایی تا سوژه مهارت»



رسانه و بازنمایی زنان ورزشکار

رسانه فقط رویدادهای ورزشی را گزارش نمی‌کند؛ بلکه تعیین می‌کند چه چیزی دیده شود و چه کسی شایسته توجه عمومی باشد. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که زنان ورزشکار سهم کمتری از پوشش رسانه‌ای دارند و بازنمایی آنان با کلیشه‌های جنسیتی همراه است.

فرصت‌های دیجیتال



رشد پلتفرم‌های مستقل
فرصت‌های تازه‌ای ایجاد کرده، اما
هنوز جایگزین کامل نظم مسلط
رسانه‌ای نشده است.

اسپانسر و درآمد کمتر



پوشش کمتر به معنای اسپانسر
کمتر و درآمد کمتر برای
ورزشکاران زن است.

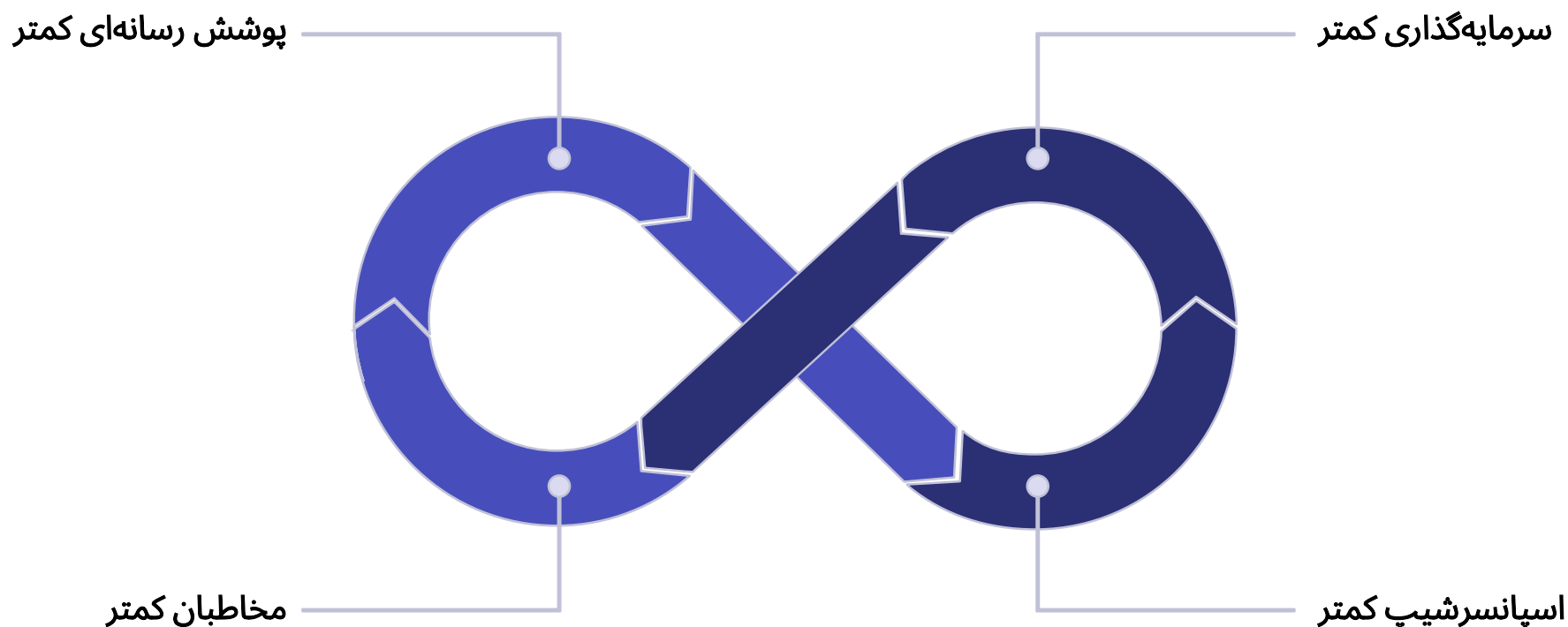
الگوهای کمتر برای دختران



دیده‌نشدن به معنای الگوهای
کمتر برای دختران و اعتبار حرفه‌ای
کمتر است.

اقتصاد سیاسی ورزش زنان: چرخه خودتقویت‌کننده نابرابری

یکی از مهم‌ترین سوءبرداشت‌ها این است که ورزش زنان کمتر دیده می‌شود چون «مخاطب کمتری دارد». تحلیل اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد این رابطه غالباً برعکس نیز عمل می‌کند: چون سرمایه‌گذاری، پوشش و زمان پخش کمتری وجود دارد، مخاطب بالقوه کمتر بالفعل می‌شود.



وقتی لیگ‌های زنان زمان پخش نامناسب‌تر و قراردادهای کوچک‌تری دارند، نتیجه آن دوباره به صورت «شاهدی» برای کم‌اهمیت دانستن آن‌ها استفاده می‌شود. بازار صرفاً یک داور خنثی نیست؛ خود بازار از خلال تصمیم‌های رسانه‌ای و سازمانی ساخته می‌شود.

امنیت، خشونت و آسیب‌پذیری جنسیتی در ورزش

21%

آزار جنسی در کودکی

یونسکو در ۲۰۲۴ گزارش کرده که ۲۱٪ از ورزشکاران زن نوعی از آزار جنسی را در کودکی در بستر ورزش تجربه کرده‌اند.

2X

نرخ آزار زنان در مقایسه با مردان

گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره خشونت علیه زنان و دختران در ورزش در سال ۲۰۲۴ این نابرابری را تأیید می‌کند.



ساختارهای سلسله‌مراتبی ورزش، اقتدار شدید مربیان، فرهنگ سکوت و ارزش‌گذاری افراطی بر اطاعت، همگی می‌توانند زمینه را برای سوءاستفاده فراهم کنند. امنیت زنان در ورزش نیازمند اصلاح فرهنگ سازمانی و توزیع واقعی قدرت است.



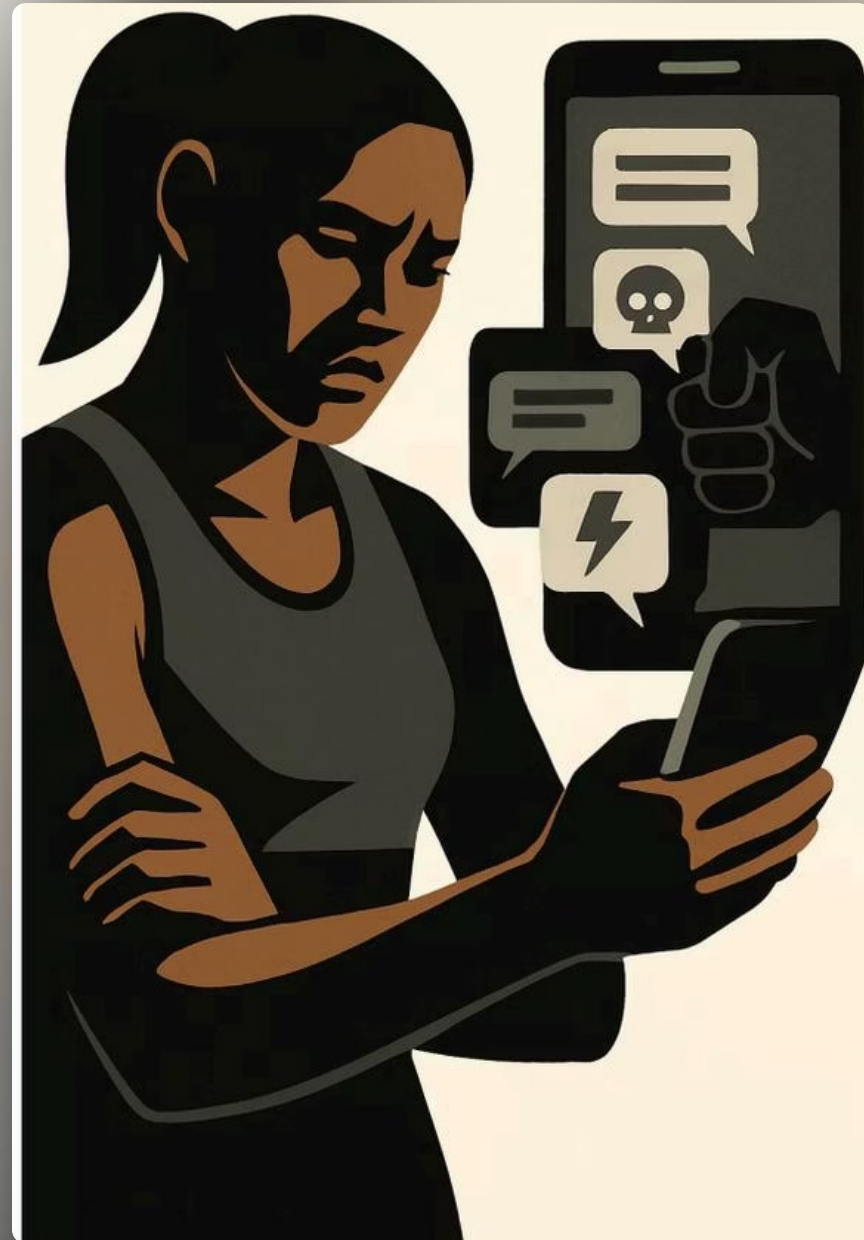
رسانه‌های اجتماعی: رهایی بخش یا فضای جدید کنترل؟

فرصت‌های رسانه‌های اجتماعی

- ارتباط مستقیم با مخاطبان بدون فیلتر رسانه‌های سنتی
- ساختن روایت شخصی و سخن گفتن درباره تبعیض
- جذب هوادار و ایجاد اجتماعات حمایتی

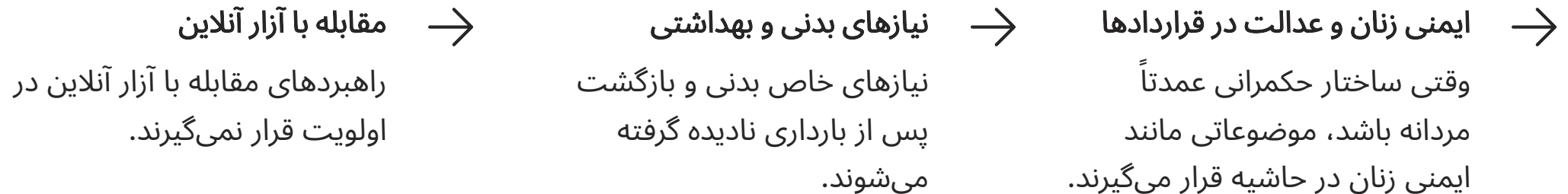
تهدیدهای پنهان

گزارش‌های IOC و World Athletics پس از پاریس ۲۰۲۴ نشان دادند که صدها ورزشکار هدف آزار آنلاین قرار گرفتند و بخش غالب این آزارها جنسیت‌محور و سکسیتی بود. فناوری هم‌زمان امکان و تهدید تولید می‌کند.



زنان در رهبری، مربیگری و حکمرانی ورزشی

اگر بخواهیم میزان نهادی شدن برابری جنسیتی را بسنجیم، باید ببینیم زنان در کجا تصمیم می‌گیرند، نه فقط در کجا مسابقه می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهد زنان در مناصب عالی مدیریتی همچنان کمتر از مردان حضور دارند.



مسئله فقط تعداد کرسی‌ها نیست؛ بلکه این است که چه کسی دستور جلسه را تعیین می‌کند و چه دانشی معتبر شمرده می‌شود.

ورزش زنان: عرصه بازتولید نابرابری یا امکان مقاومت؟

ورزش صرفاً ابزار سلطه نیست؛ می‌تواند عرصه مقاومت نیز باشد. زنان ورزشکار، تیم‌های زنان و کنشگران رسانه‌ای در دهه‌های اخیر نشان داده‌اند که میدان ورزش فقط جایی برای بازتولید نظم مردسالارانه نیست.

سخن گفتن درباره تبعیض

هر بار که ورزشکاری درباره تبعیض حرف می‌زند، نظم جنسیتی به چالش کشیده می‌شود.

موفقیت در رشته‌های مردانه

هر بار که زنی در رشته‌ای سنتاً مردانه موفق می‌شود، بخشی از نظم جنسیتی موجود ترک برمی‌دارد.

تمایز الهام‌بخشی از تغییر ساختاری

جامعه‌شناسی ورزش میان «الهام‌بخشی فردی» و «تغییر ساختاری» تمایز می‌گذارد. تا وقتی قواعد توزیع منابع و قدرت تغییر نکرده، نظام نابرابری پابرجا می‌ماند.



مناقشه‌های معاصر: فراتر از دوگانه ساده زن/مرد

ادبیات جدید جامعه‌شناسی ورزش نشان می‌دهد که نظم سنتی دوگانه زن/مرد با پرسش‌های تازه‌ای مواجه شده است. این موضوع اکنون در مرکز منازعات حقوقی، پزشکی، اخلاقی و جامعه‌شناختی قرار دارد.

منازعات پزشکی

بحث‌های پزشکی درباره بدن، هورمون‌ها و عملکرد ورزشی

منازعات حقوقی

پرونده‌های حقوقی درباره تعریف دسته‌بندی‌های جنسیتی در ورزش

منازعات اخلاقی

پرسش‌های اخلاقی درباره عدالت رقابتی و حقوق ورزشکاران

منازعات جامعه‌شناختی

تحلیل چگونگی ساخته‌شدن دسته‌بندی‌های جنسیتی از خلال تنظیمات نهادی، حقوقی و فرهنگی



از منظر جامعه‌شناختی، دسته‌بندی‌های جنسیتی در ورزش فقط داده‌های زیستی نیستند؛ آن‌ها محصول تنظیمات نهادی، حقوقی و فرهنگی نیز هستند.

آینده برابری جنسیتی در ورزش: از اصلاح نمادین تا دگرگونی نهادی

هشدار جامعه‌شناسی ورزش

اصلاحات نمادین به تنهایی کافی نیست. تا وقتی به تحول در اقتصاد ورزش، الگوهای رسانه‌ای، امنیت ورزشکاران، حضور زنان در مدیریت و فرهنگ سازمانی منجر نشود، بیشتر شبیه «پیشرفت قابل‌نمایش» است تا عدالت پایدار.

پیشرفت‌های نهادی

یونسکو، UN Women و IOC در سال‌های اخیر بر توسعه چارچوب‌های سیاستی برای برابری، امنیت، بازنمایی منصفانه و اصلاح حکمرانی تأکید کرده‌اند. برابری عددی در پاریس ۲۰۲۴ یک دستاورد نمادین مهم بود.



آینده مطلوب، آینده‌ای است که در آن جنسیت دیگر عامل پیش‌بینی‌کننده تبعیض در دسترسی، احترام، امنیت، درآمد، دیده‌شدن و امکان تصمیم‌گیری نباشد. رسیدن به چنین وضعیتی مستلزم تغییر در سیاست، آموزش، رسانه، سرمایه‌گذاری و فرهنگ روزمره ورزش است.

جمع‌بندی: جنسیت، قدرت و میدان ورزش

جنسیت در جامعه‌شناسی ورزش، بحثی درباره قدرت، مشروعیت، بدن، بازنمایی، نهادها و عدالت است. ورزش مدرن در تاریخی مردانه شکل گرفته و هنوز بسیاری از قواعد آشکار و پنهان آن بر پایه همین تاریخ عمل می‌کنند.

		
چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ این نگاه دانشجویان را از توصیف ساده پدیده‌ها به سمت تحلیل انتقادی ساختارها می‌برد.	چه کسی حذف می‌شود؟ فهم جنسیت در ورزش یعنی دیدن روابط قدرت و سازوکارهای حذف.	چه کسی دیده می‌شود؟ ورزش یک میدان اجتماعی است؛ و هر میدان اجتماعی، روابط قدرت خود را دارد.



پیشرفت‌هایی مانند برابری عددی در المپیک پاریس ۲۰۲۴ مهم‌اند، اما نباید ما را از دیدن نابرابری‌های ساختاری در رهبری، رسانه، اقتصاد، امنیت و فرهنگ منحرف کنند.